



روابط اقتصادی و تجاری با چین و جایگاه بین المللی جمهوری اسلامی ایران^۱

حسین فردمطلق^۲، قاسم ترابی^۳، علیرضا رضایی^۴

چکیده

هدف اصلی تحقیق حاضر، بررسی تاثیر گسترش روابط اقتصادی و تجاری با چین بر جایگاه بین المللی جمهوری اسلامی ایران بود. تحقیق حاضر از نوع واقع گرایی است و روش تحقیق کیفی از نوع اسنادی می باشد. در این پژوهش از روش های جمع آوری کتابخانه ای و اسنادی، بررسی مدارک و اسناد، مصاحبه با کارشناسان و آگاهان موضوع برای گردآوری اطلاعات استفاده شد و با روش تحلیلی - توصیفی، تجزیه و تحلیل شد. با توجه به یافته های تحقیق این نتیجه حاصل شد که رشد مناسبات اقتصادی در بخش صدور انرژی به ویژه نفت ایران به چین و در تجارت و همکاری های فنی و عمرانی دوجانبه و ارتقای سطح سیاسی مراودات و افزایش دیدارهای دوجانبه حاکی از آن است که همچنان این دو کشور یکدیگر را شریکی مهم می دانند و خواستار افزایش پیش از پیش مناسبات در همه زمینه ها هستند. سرمایه گذاری های چین در ایران عمدتاً شکل تجاری داشته است و با واردات کالاهای مصرفی و واسطه ای از سوی ایران درازای فروش نفت، مواد خام و معدنی و تولیدات پتروشیمی با ارزش افزوده پایین همراه گردیده است. در حال حاضر چین به دنبال ارتقاء جایگاه خود در زنجیره ارزش جهانی به کمک اجرای طرح یک کمربند - یک جاده می باشد ایران می تواند از این موقعیت استفاده بهینه بکند.

کلیدواژه ها: روابط بین المللی، اقتصادی و تجاری، چین، جمهوری اسلامی ایران.

۱. این مقاله بر گرفته از رساله دکتری حسین فردمطلق با عنوان «روابط اقتصادی و تجاری با چین و جایگاه بین المللی جمهوری اسلامی ایران» با راهنمایی دکتر قاسم ترابی است.

۲. دانشجوی دکتری تخصصی روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.

۳. دانشیار روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

ghasemtoraby@yahoo.com

۴. دانشیار روابط بین الملل، واحد همدان، دانشگاه آزاد اسلامی، همدان، ایران.



مقدمه

تداوم تأثیرگذاری چین در عرصه اقتصاد جهانی تحت تأثیر متغیرهای داخلی و بین‌المللی می‌باشد که خارج از اراده رهبران چین قرار دارد به‌عنوان نمونه ادامه رشد اقتصادی چین تحت تأثیر مسئله قیمت و تداوم عرضه انرژی و به‌خصوص نفت قرار دارد. (ترابی، ۱۳۹۱: ۱۷۲)؛ (Turabi, 2011: 172) چین ضمن بررسی تجارب موفق در برنامه‌ریزی و مدیریت اقتصادی کشورهای توسعه‌یافته، افزایش قدرت سازگاری چین با تغییرات ساختاری اقتصاد جهانی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار داده است. (رضائی، ۱۳۸۷: ۲۹۰)؛ (Rezaei, 2007: 290) رابطه اقتصادی - تجاری میان ایران و چین قدمتی طولانی دارد. پس از انقلاب اسلامی، دو کشور سطوح متفاوتی از تجارت با یکدیگر را تجربه کرده‌اند که در ابعاد کمی و کیفی متفاوتی قرار دارد. آنچه در همه دوره‌های جمهوری اسلامی ثابت بوده است، روند صعودی کمیت رابطه با چین می‌باشد؛ اما این رابطه‌ی در حال گسترش، کمکی به تحقق اهداف مرتبط با توسعه به شکل ساختاری، مستمر و بلندمدت نکرده است. سرمایه‌گذاری‌های چین در ایران عمدتاً شکل تجاری داشته است و با واردات کالاهای مصرفی و واسطه‌ای از سوی ایران درازای فروش نفت، مواد خام و معدنی و تولیدات پتروشیمی باارزش افزوده پایین همراه گردیده است. (مرادی حقیقی، ۱۳۹۷: ۲۵)؛ (Moradi Haghighi, 2017: 25) ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای جدید محسوب می‌شود که نقشی هدایتگر در موازنه دیپلماتیک خاورمیانه ایفا می‌کند؛ بنابراین، تهران در کنار تأمین نیازهای فزاینده چین به مواد اولیه و منابع طبیعی، از جهت نفوذ ژئوپلیتیکی نیز می‌تواند در جایگاه شریکی استراتژیک برای پکن ایفای نقش نماید. (Un, L and Wu, L, 2016: 45) سیاست ایجاد توازن چین میان ایران و سایر کشورهای خلیج فارس به‌واسطه نیاز به بازارهای مصرفی و واردات انرژی و هم‌چنین ظهور نشانه‌های بهبود روابط ایران با غرب، چشم‌انداز شکل‌گیری همکاری استراتژیک میان دو کشور را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده است. (Unter, S, 2010: 10) ایران برای افزایش صادرات انرژی خود نیازمند سرمایه‌گذاری در میدان‌ها نفتی و گازی خود است و شرکت‌های دولتی چینی در رویکردی خلاف شرکت‌های غربی حاضرند تا در سرمایه‌گذاری در کشورهای با ریسک‌پذیری بالا اقدام کنند که این نوع شرایط ایران را به بهترین مکان جهت آوردن سرمایه شرکت‌های چینی تبدیل می‌کند (یوسفی، ۱۳۹۷: ۳۰)؛ (Yousfi, 2017: 30) با پایان جنگ و ضرورت بازسازی و تقویت بنیه اقتصادی ایران بسترهای لازم به‌منظور تسری قلمرو

موضوعی مناسبات به حوزه‌های اقتصادی، تجاری و هسته‌ای فراهم گردید. بر این اساس، چین ضمن مشارکت گسترده در بازسازی اقتصادی ایران، به مهم‌ترین تأمین‌کننده ایران تبدیل شد؛ به گونه‌ای که در دهه ۱۹۹۰ نیمی از محصولات خارجی ایران از چین وارد می‌شد. (بلوچی، ۱۳۸۹: ۱۴۵)؛ (Baloji, 2009: 145) در حال حاضر چین به دنبال ارتقاء جایگاه خود در زنجیره ارزش جهانی به کمک اجرای طرح «یک کمربند - یک جاده» می‌باشد. از آنجایی که ایران در این طرح از یک موقعیت استراتژیک و بارزش برخوردار است با توجه به این مسئله که چین به عنوان مجری این طرح، بزرگ‌ترین شریک تجاری جمهوری اسلامی است، تغییر رویکرد تجاری ایران می‌تواند زمینه‌های صنعتی شدن، ورود به زنجیره ارزش جهانی و فراهم آمدن مقدمات توسعه را فراهم کند. (مرادی حقیقی، ۱۳۹۷: ۴۵)؛ (Moradi Haghighi, 2017: 45) در حالت واقع‌بینانه روابط ایران و چین در چارچوب شرایط داخلی دو کشور و محیط استراتژیک بین‌المللی که به نوبه خود تحت تأثیر تغییرات اخیر در استراتژی ژئوپلیتیکی آمریکا قرار دارد، تعیین می‌گردد. (Un, L and Wu, L, 2016: 47) به‌رغم افزایش همکاری اقتصادی و دیپلماتیک چین با ایران به دنبال اجرای برجام، همراهی ژئوپلیتیکی نزدیک‌بین دو طرف بعید به نظر می‌رسد. بر این مبنا، روابط چین و ایران با عنایت به موانع دائمی همچون تمایل چین به روابط مثبت با سایر دولت‌ها، تعقیب راهبرد متنوع سازی انرژی و نیاز به ثبات منطقه‌ای محدود خواهد ماند (Wutnow, oel, 2016: 290).

درمجموع، فقدان درک و شناخت صحیح و کافی تهران از واقعیت‌ها و وضعیت چین امروز در ابعاد مختلف داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، مانع از تدوین سیاستی اصولی و منطبق با ظرفیت‌ها و توانایی‌های پکن گردیده است. البته درروی دیگر سکه، چین نیز درک صحیح و جامعی از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و واقعیت‌های ایران امروز ندارد که بالطبع چنین وضعیتی بر روند همکاری‌های دو کشور تأثیرگذار بوده است. طرف چینی در تنظیم مناسبات و سیاست‌های خود با تهران، نگاه محتاطانه‌ای دارد و در عمل، برخورد چین با تهران بر اساس وضعیت ایران در صحنه بین‌المللی و نحوه تعامل سایر قدرت‌ها با ایران تعریف شده است. چین در روابط منطقه‌ای نیز با دست زدن به ابتکاراتی نظیر جاده ابریشم و برقراری نهادهای اقتصادی پیرامون آن، یک کمربند، یک جاده و راهبرد رشته‌های مروارید درصدد است تا با بهره‌گیری از تمامی فرصت‌ها توان نفوذ خود را فراتر از همسایگان و منطقه پیرامونی گسترش دهد و از محاصره شدن از سوی آمریکا بگریزد. جاده ابریشم دریایی با ایجاد پایگاه‌های دریایی و بندرگاه‌ها در کشورهای گوناگون به تأمین بهتر امنیت



انرژی چین کمک شایانی خواهد کرد و نیز جاده ابریشم زمینی و احداث خطوط ریلی از غرب چین به آسیای مرکزی و از آنجا به ایران و در نهایت به اروپا، کالاهای چینی را ارزان تر، باصرفه تر و امن تر به بازارهای هدف برساند این ابتکارات زمینه ساز همکاری های سازنده و برد - برد با کشورهای مشمول این طرح هاست. از طرف دیگر نهاده سازی های اقتصادی چین بر بستر این ابتکارات نشانگر هموردی اقتصادی چین با ابتکارات پس از جنگ جهانی دوم از سوی آمریکا به شمار می رود. لذا می توان گفت که چین و ایران، به عنوان دو کشور قدرتمند آسیایی در حوزه روابط بین الملل می باشند که هر کدام اهداف کلانی را در سطوح گوناگون دنبال می کنند و بر پایه منابع مادی و غیرمادی، از جمله عناصر فرهنگی، هویتی و چه بسا ایدئولوژیکی خود سعی در محقق ساختن این اهداف دارند. با عنایت به آنچه گفته شد؛ این پژوهش قصد دارد که به این سؤال پاسخ دهد، گسترش روابط اقتصادی و تجاری با چین چه تأثیری بر جایگاه بین المللی جمهوری اسلامی ایران می گذارد؟ به نظر می رسد گسترش روابط اقتصادی و تجاری، با چین به عنوان یک قدرت نوظهور، باعث افزایش قدرت راهبردی جمهوری اسلامی ایران در عرصه بین المللی می شود.

تحقیق حاضر از نوع واقع گرایی است و روش تحقیق کیفی از نوع اسنادی می باشد. در این پژوهش از روش های جمع آوری کتابخانه ای و اسنادی، بررسی مدارک و اسناد، مصاحبه با کارشناسان و آگاهان موضوع برای گردآوری اطلاعات استفاده شد و با روش تحلیلی - توصیفی، تجزیه و تحلیل شد.

پیشینه موضوع

عظیمی (۱۴۰۰)؛ Azimi (2020) در کتاب ابتکار کمربند و راه؛ فرصت های اقتصادی مشترکی ایران و چین؛ به جایگاه ایران در ابتکار کمربند و راه، روابط تجاری و سرمایه گذاری ایران و چین و ظرفیت های همکاری دو کشور در این چارچوب پرداخته است. صفی نژاد (۱۳۹۸)؛ Safinejad (2018) در پژوهش خود تحت عنوان: ناسیونالیسم اقتصادی جمهوری خلق چین و تأثیر آن بر روابط راهبردی این کشور با ایران؛ بیان می کند که چین استراتژی عمل گرایانه خود را حتی با دشمنان خود مسالمت جویانه و مثلی تعریف می کند. مرادی حقیقی (۱۳۹۷)؛ Moradi Haghighi (2017) در پژوهش خود تحت عنوان: تجارت و توسعه در روابط اقتصادی ایران و چین؛ بیان می کند که رابطه تجاری میان ایران و چین قدمتی طولانی دارد. پس از انقلاب اسلامی، دو کشور سطوح متفاوتی از تجارت با یکدیگر را تجربه کرده اند که در ابعاد کمی و کیفی متفاوتی قرار دارد.

Bagwandeem, Mandira (2019) در مقاله‌ای تحت عنوان «راهبرد موازنه بخش چین در خلیج فارس» به نگرانی چین در ثبات انرژی منطقه با توجه به نیاز روزافزون این کشور جهت دریافت انرژی و رشد اقتصادی از این منطقه پرداخته و بهبود روابط با کشورهای منطقه و از جمله ایران را در این راستا ارزیابی نموده. Daniel, oos (2018) در مقاله‌ای تحت عنوان «جنبه‌های مختلف روابط ایرانی-چینی»، تشریح نموده و تنها گزینه پیش روی ایران منزوی‌شده از سوی غرب را فروش نفت خام به چین برای بقای اقتصادی تحلیل نموده و با اشاره به سرمایه‌گذاری انرژی چین در پاکستان و هند، آینده این طرح چینی را تحت عنوان جاده جدید انرژی ابریشم نامیده است.

نظریه وابستگی متقابل

وابستگی متقابل به وضعیت‌های توصیف‌شده از طریق اثرات متقابل بین کشورها یا بازیگران در کشورهای گوناگون برمی‌گردد تأثیرگذاری مبادلات روی وابستگی متقابل به فشارها یا هزینه‌های ملازم با مبادلات بستگی دارد. اگر مبادلات متضمن آثار پرهزینه متقابل باشند، وابستگی متقابل وجود دارد. ولی اگر تعاملات کشورها آثار پرهزینه چندانی در بر نداشته باشد، صرفاً با پیوند متقابل روبرو هستیم. (کوهن و نای، ۱۳۹۵: ۵۰؛ Cohen and Nye, 2015: 50) وابستگی متقابل، مصالح ملی خودخواهانه و وفاداری‌های ملی را حل کرده است. حداقل کشورها مختار خواهند بود که مشکلات خود را به‌طور مسالمت‌آمیز حل کنند. همبستگی ممکن است نتواند دولت جهانی را ایجاد کند، اما می‌تواند دولت ملی و سیاست مبتنی بر قدرت را در جهان بدون مرز بی‌مورد سازد. دورنمای وابستگی متقابل بیش‌ازحد، ممکن است کشور را به کاهش وابستگی ترغیب کند، به نظر می‌رسد کمتر کشوری (و شاید هیچ کشوری) حاضر شود که آزادی انتخاب و عملش به‌شدت لطمه ببیند. (سیف زاده، ۱۳۹۲: ۸۵؛ Saifzadeh, 2012: 85) وابستگی متقابل و جهانی‌شدن، ایران را به سمت چندجانبه‌گرایی در سیاست خارجی سوق می‌دهد. این سیاست و جهت‌گیری به سه صورت پیگیری و عملی می‌گردد. نخست، از طریق تلاش برای تقویت و توسعه همگرایی سیاسی و اقتصادی منطقه‌ای؛ دوم، تلاش برای ایجاد و تأسیس نهادها و سازمان‌های منطقه‌ای جدید؛ سوم، حمایت و پشتیبانی از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی موجود.

یافته‌های تحقیق

- ۱- چین مهم‌ترین بازیگر در دور زدن تحریم‌های نفتی ایالات متحده علیه ایران با دگرگونی مثلث استراتژیک (آمریکا، چین و ایران)، کنش چین در برابر فشارهای فزاینده دولت ترامپ بر ایران به تدریج تغییر کرد. این کشور به‌صراحت از خروج آمریکا از برجام انتقاد



کرد و بر تداوم روابط تجاری عادی با ایران تأکید نمود. رئیس‌جمهور چین در دیدار با مقامات ارشد ایران بر لزوم گسترش تعاملات راهبردی ایران و چین بدون توجه به تغییرات در شرایط بین‌المللی تأکید کرد. (شریعتی نیا، ۱۳۹۹: ۱۰۰)؛ (Shariatinia, 2019: 100) چین در هماهنگی با روسیه مانع از بهره‌گیری ایالات متحده از ابزار شورای امنیت علیه ایران شد. افزون بر این، دولت چین فرصت‌های مهمی برای تداوم روابط اقتصادی میان دو کشور، به‌ویژه در حوزه صادرات نفت فراهم آورد. در این دوره چین همچنان به‌عنوان مهم‌ترین خریدار نفت ایران باقی ماند، بخش مهمی از نفت فاقد مشتری ایران در مخازن این کشور ذخیره شد و چین به مهم‌ترین بازیگر در دور زدن تحریم‌های نفتی ایالات متحده علیه ایران، به‌ویژه پس از پایان معافیت‌های نفتی بدل شد. (Merseimer, O, 2018: 5) البته در این دوره مبادلات تجاری ایران با چین رو به کاهش گذاشت، شرکت‌های بزرگ چینی همکاری با ایران را کاهش داده یا قطع نمودند و مبادلات مالی میان دو کشور با دشواری‌های بیشتری مواجه شد. منطق اقدام شرکت‌های چینی با منطق اقدام دولت چین تفاوت‌های مهمی دارد. این شرکت‌ها بر مبنای ملاحظات اقتصادی، منافع ناشی از حضور در بازار جهانی و نگرانی از مجازات ایالات متحده از حضور در بازار ایران چشم پوشیدند. (Maloney, S, 2018: 22) تجدیدنظرطلبی بیش‌فعال ایران و چین از یکسو و تلاش‌های ایالات متحده برای کند کردن روند تغییر سیستمی، رقابت راهبردی و تنش میان دو کشور با ایالات متحده را تداوم خواهد بخشید. گسترش و تعمیق این روند تأثیرات شدیدتری بر روابط چین و ایالات متحده، در مقایسه با روابط ایران و آمریکا خواهد گذاشت، زیرا چین تنها قدرت بزرگی است که از توان و تمایل به چالش کشیدن موقعیت مسلط ایالات متحده در پهنه سیاست بین‌الملل برخوردار است، درحالی‌که دامنه چالش ایران محدود به شامات است. از همین رو احتمالاً ایران به دلایل ساختاری و نه کارگزاری در میان‌مدت نقشی مهم‌تر در تثبیت یا فروپاشی این مثلث خواهد داشت. پذیرش نقش منطقه‌ای ایران و مشروعیت دهی به آن از سوی ایالات متحده در میان‌مدت امکان‌پذیری بیشتری در مقایسه با پذیرش نقش جهانی چین از سوی آمریکا دارد. از همین رو، بروز نوعی شگفتی استراتژیک و فروپاشی این مثلث در پیامد بازتعریف مناسبات ایران و ایالات متحده وجود دارد، هرچند احتمال وقوع آن اندک است.

۲- همکاری سازنده و رقابت غیر حساسیت‌برانگیز چین برای ایران

کشور چین در منطقه جنوب شرق آسیا دارای علایق ژئوپلیتیکی فراوانی است که می‌تواند در تصمیمات راهبردی این کشور در سیاست بین‌الملل بسیار مؤثر واقع شود. توجه به حوزه انرژی در

منطقه خلیج فارس، ارتباط با کشورهای اوراسیایی از طریق بعضی کشورهای دارای ثبات امنیتی در منطقه، تمایل و توجه به گسترش اقتصادی در جهان و خصوصاً منطقه اوراسیا و حذف تدریجی رقبا در منطقه را می‌توان از جمله این علایق برشمرد. برخی از پژوهشگران بر این موضوع تأکید دارند که چین در سومین دههٔ قرن ۲۱ قادر خواهد بود تا ظهور غیر حساسیت‌برانگیز را شکل داده و به این ترتیب زمینه‌های لازم برای نقش‌یابی مؤثر در سیاست جهانی به وجود آورد. (ارغوانی پیر اسلامی، ۱۳۹۵: ۵۶)؛ (Arghwani Pirsalami, 2015: 56) نقش تعیین‌کننده و استراتژیک ایران در منطقه برای تمام قدرت‌های جهانی از جمله چین به عنوان یک قدرت اقتصادی و سیاسی تأثیرگذار منطقه‌ای کاملاً مشخص و بارز است. ایران دارای علایق و نگرانی‌های ژئوپلیتیکی در منطقه است که برای حذف نگرانی‌ها و بهبود علایق خود تلاش‌های زیادی داشته و به دلیل اختلافات فراوان با استکبار جهانی خصوصاً آمریکا و کشورهای وابسته غربی به گسترش روابط با سایر کشورها از جمله چین توجه خاصی دارد. یکی از موضوعات بسیار تعیین‌کننده در روابط راهبردی ایران و چین را می‌توان بر اساس نقش ساختاری و قابلیت‌های کارکردی چین تحلیل نمود. طبیعی است که تنظیم توافقنامه راهبردی ایران و چین اگر واقعیت داشته باشد، می‌تواند شرایط لازم برای پایه‌ریزی ائتلاف ضدهژمونیک را شکل دهد. واقعیت‌های موجود کنش راهبردی چین بیانگر آن است که این بازیگر تا یک دههٔ آینده هیچ‌گونه تمایلی به رویارویی و تعارض با ایالات متحده و جهان غرب نشان نخواهد داد. الگوی رفتار راهبردی چین عمدتاً معطوف به اتخاذ سازوکارهایی برای همکاری سازنده و رقابت غیر حساسیت‌برانگیز خواهد بود.

۳- عدم وجود یک راهبرد مشخص اقتصادی ایران (به علت تغییر دولت‌ها) برای رابطه با چین

کشور چین دارای سیاست‌های مشخصی در رابطه با ایران است. ولی جمهوری اسلامی از یک راهبرد مشخص برای رابطه با این کشور برخوردار نیست. نبود یک راهبرد مشخص در رابطه با چین به عنوان یک بازیگر اصلی در روابط بین‌الملل، منجر به نبود یک سازوکار مشخص در روابط ایران با چین شده است. نبود این سازوکار و راهبرد، در واقع باعث شده ایران به تبع تغییر دولت‌ها و تغییر روابط ایران با غرب، روابطش با چین دچار نوسان شود. (شمشیری، ۱۳۹۹: ۷۰)، (Shamshiri, 2019: 70) چین برای رابطه با ایران به دنبال ایجاد تعادل در روابط ایران با غرب و آمریکا است، به نحوی که نه رابطه ایران و غرب و آمریکا مسالمت‌آمیز و عمیق باشد و نه ایران بی‌توجه به قوانین بین‌الملل و رابطه پرتنش با غرب و آمریکا باشد. در این حالت رابطه چین با ایران



نیازمند یک رابطه راهبردی بلندمدت است که تحت تأثیر تغییر دولت‌ها و تغییر سیاست‌های جزئی قرار نگیرد. رابطه راهبردی با چین نیازمند ملاحظات است. این ملاحظات نشان می‌دهد که رابطه از پیچیدگی‌های زیادی برخوردار بوده و کشور ایران اگر ملاحظات روابط با چین را مدنظر قرار ندهد، متضرر اصلی روابط با چین است. باید در نظر داشت در صورت رعایت ملاحظات ذکر شده و نگاه راهبردی به روابط با چین، مزیت‌های قابل توجهی برای جمهوری اسلامی ایجاد می‌گردد

۴- ایران بهترین گزینه چین برای انتخاب شرکای راهبردی اقتصادی در تقابل با آمریکا

مشاهده سهم کشورهای مختلف از صادرات نفت به چین بیانگر سیاست تنوع‌بخشی واردکنندگان یا همان مدیریت انرژی موردنیاز این کشور است؛ اما با نگاهی عمیق‌تر متوجه سهم عمده متحدان آمریکا از صادرات نفت به این کشور خواهیم شد. (Im, S. and Stig.S, 2020: 61) ظرفیت ذخایر نفتی اثبات شده قابلیت ایران را برای افزایش صادرات نفتی خود در شرایط عدم تحریم بیان می‌کند؛ بنابراین در صورت اقدام چین برای انتخاب شرکای راهبردی در تقابل با آمریکا، ایران بهترین گزینه در خاورمیانه است. در نگاهی کلانتر می‌توان ایران را در کنار روسیه و ونزوئلا در نظر گرفت که امکان تأمین پایدار انرژی موردنیاز چین را دارند. علاوه بر نفت در زمینه تأمین منابع انرژی گاز نیز ایران می‌تواند تأمین‌کننده گاز موردنیاز چین به‌عنوان بزرگ‌ترین واردکننده جهان نیز باشد. (بخشی آنی، ۱۴۰۰: ۴۵۰)؛ (Bakhshi Ani, 2020: 450) چین به دنبال از بین بردن نظم موجود و رفتار انقلابی نیست، هدف این کشور کسب حداکثر منافع در قالب نظم موجود است، اما مشکل فعلی تقابل منافع اقتصادی این کشور با آمریکاست که آن برای ایران یک فرصت محسوب می‌شود. در صورت تداوم رقابت آمریکا و چین که رشد اقتصادی چین را کاهش می‌دهد. امکان شکل‌گیری روابط راهبردی ایران و چین بیشتر است. حتی در صورت تداوم شرایط موجود بین آمریکا و چین ایران می‌تواند با تکیه بر فرصت‌های موجود به‌عنوان یکی از شرکای اقتصادی اصلی چین باشد

۵- اهمیت ترانزیتی ایران برای رشد اقتصادی چین

چین می‌تواند با استفاده از بندرها و خطوط ریلی ایران به توسعه صادرات خود در خاورمیانه و کسب منافع بلندمدت اقدام کند. در صورت توافق راهبردی ایران و چین جمعیت بازار مصرفی منطقه خاورمیانه و آسیای میانه همراه با افغانستان حدود ۴۹۰ میلیون نفر بدون در نظر گرفتن متحدان راهبردی آمریکا امارات، عربستان و قطر خواهد بود. این موضوع با توجه به مزیت نسبی چین در تولید اقلام مصرفی مختلف و پیشرفت‌های فناورانه می‌تواند به سودآوری حداکثری این

کشور منتج شود. (Amel, C. 2017: 10) ایران مرکز ثقل مهمی در ساختار امنیت انرژی چین محسوب می‌شود و در صورت به کار بردن استراتژی ژئوپلیتیکی مناسب، می‌تواند با استفاده از ژئوپلیتیک انرژی ایده‌آل به وجود آمده، وزن ژئوپلیتیک خود را ارتقا دهد این راهبرد جدید را می‌توان حضور ترانزیتی چین در غرب آسیا و آسیای میانه از طریق ایران دانست. بندر بین‌المللی چابهار دروازه ورود چین برای اتصال به آسیای میانه و دریای مدیترانه خواهد بود. (صفوی و مهدیان، ۱۳۸۹: ۲۵)؛ (Safavid and Mahdian, 2009: 25) در بعد ترانزیت، چین با اتصال به آسیای میانه در شمال و دریای مدیترانه در غرب می‌تواند به توسعه منافع اقتصادی خود پردازد. در این زمینه تکمیل زیرساخت‌های ریلی اتصال چابهار به آسیای میانه و همکاری‌های تجاری با کشورهای این منطقه برای چین، برابر با توسعه بیشتر منافع اقتصادی این کشور است. اهمیت اصلی استفاده ترانزیتی چین از ایران در کنار بعد اقتصادی نفوذ سیاسی در کشورهای منطقه است؛ به نحویکه با ترانزیت مطمئن از طریق ایران به کشورهای آسیای میانه و بندر لاذقیه خواهد رسید. گستره عمیق نفوذ امنیتی چین در مقابله بانفوذ آمریکا در خاورمیانه قرار خواهد گرفت. در این راستا نیاز به متحد راهبردی که بتواند بدون وابستگی به آمریکا به تأمین منافع چین پردازد، ضروری خواهد بود؛ از این‌رو علاوه بر منافع ترانزیتی، وابستگی به واردات نفت از متحدان آمریکا یعنی عربستان و کشورهای حاشیه خلیج فارس کاهش یافته و ایران جایگزین خواهد شد. اتصال چابهار به آسیای میانه و بندر لاذقیه کانون توجه برای کسب منافع چین از طریق ترانزیت ایران است. در شرایط فعلی نیز ایران به لحاظ ثبات سیاسی و کریدورهای ارتباطی همان جایگاه قرون قبل را دارد؛ تفاوت اصلی دوره معاصر هژمونی آمریکا و تلاش‌های تحریمی آن برای پیشگیری از رونق اقتصادی است.

۶- قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین، راه نجاتی برای ایران در برابر تحریم‌های فزاینده اقتصادی

توافق بلندمدت با چین راه نجاتی برای ایران در برابر تحریم فزاینده اقتصادی به شمار می‌رود و می‌تواند منجر به ناکامی سیاست فشار حداکثری دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده به‌منظور تسلیم ایران باشد. برنامه ۲۵ ساله همکاری‌های مشترک ایران و چین یک پیش‌نویس توافق و مذاکرات با جنبه‌های پنهان، میان نظام جمهوری اسلامی ایران و جمهوری خلق چین، برای سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران، شرکت ملی صادرات گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران، زیرساخت‌های ایران و همکاری نظامی، امنیتی، فرهنگی و قضایی است حجم



سرمایه گذاری معادل ۲۸۰ تا ۴۰۰ میلیارد دلار آمریکا است. بخش قابل توجهی از این سرمایه گذاری چینی ها طی سال نخست اجرای قرارداد ۲۵ ساله با آن ها به صنعت نفت و گاز ایران تزریق می شود و مابقی آن به صورت مرحله ای و بر اساس توافق دو طرف از سوی پکن در ایران انجام می شود. (صفی نژاد، ۱۳۹۸: ۳۰)؛ (Safinejad, 2018: 30) سود نهایی ایران از توافق بلندمدت با چین درجایی است که چین پذیرفته واردات نفت از ایران را افزایش دهد. منبع خبری سایت پترولیوم اکونومیست به آمارهای عددی دیگری در این توافق اشاره کرده که شامل نگهداری بشکه های نفت بیشتر بر روی شناورهای اطراف چین بدون نیاز به انبار شدن در گمرک است که مانع از نمایش آماری آن در داده های گمرک خواهد شد، اما درواقع بخشی از ذخایر استراتژیک نفت چین خواهند بود. (علائی پور، ۱۴۰۰: ۴۷)؛ (Alaipoor, 2020: 47) قرارداد راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین، دو مزیت کلیدی برای ایران به دنبال دارد؛ اول اینکه چین یکی از ۵ کشور عضو شورای امنیت سازمان ملل است که حق وتو دارد. روسیه یکی دیگر از کشورهای دارای حق وتو در شورای امنیت سازمان ملل است که در این توافق نیز حقوقی برای این کشور در نظر گرفته شده است؛ بنابراین ایران ۲ عضو دارای حق وتو در شورای امنیت را با این قرارداد در کنار خود خواهد داشت. مزیت دوم قرارداد ۲۵ ساله با چین برای ایران این است که درنهایت باعث می شود تولید نفت و گاز ایران در سه میدان کلیدی کشور افزایش پیدا کند.

۷- ورشکستگی اقتصادی مشاغل ایران در سایه روابط اقتصادی با چین

چین سیاست خارجی خود را بر اساس افزایش اعتبار به عنوان یک بازیگر بین المللی مسئول و همگرا قرار داده تا به همسایگان اطمینان دهد که رشد اقتصادی چین برای سایر کشورها تهدیدزا نیست. پذیرش چندجانبه گرایی و شرکت در ائتلاف ها و ابتکار در ایجاد سازمان همکاری مؤید این جهت گیری است. (رضائی و سلیمی، ۱۴۰۰: ۲۶)؛ (Rezaei, salimi, 2020: 26) از سال ۱۳۸۴ باهدف کنترل قیمت ها درهای ایران به روی واردات گشوده تر شد و بیش از هر زمان دیگری واردات رونق گرفت. در این میان به دلیل آنکه ایران نزدیک ترین روابط را با چین داشت، شروع به واردات بی رویه کالاهای بی کیفیت از چین کرد. چینی ها از این تصمیم بیشترین بهره را بردند و بازارهای ایران را بهترین فرصت برای ارائه کالاهای خود دانستند؛ از پوشاک گرفته تا آب لیمو و سیر چینی به بازارهای ایران سرازیر شد. درواقع دولت نهم و در پی آن دولت دهم هر جا که کنترل قیمت ها را از دست داد اقدام به واردات کالاهای هدف باقیمت پایین تر در قیاس با تولید

داخل از چین کرد به گونه‌ای که ۷۵ درصد واردات را کالاهای مصرفی تشکیل می‌دادند که واردات میوه، گوشت، برنج و پوشاک از جمله‌ی آن‌ها بودند. (بیاتی، ۱۳۸۹: ۴۰)؛ (Bayati, 2009: 40) نمی‌توان از تأثیر قابل توجه سیاست‌های داخلی کشور در این دوره در بحث ورشکستگی تولیدکنندگان داخلی چشم‌پوشی کرد؛ به گونه‌ای که علاوه بر واردات بی‌رویه کالاهای خارجی، مسئله هدفمندسازی یارانه‌ها نیز در این امر دخیل بود. با تصویب قانون هدفمندی یارانه‌ها، قیمت حامل‌های انرژی افزایش یافت و در قبال این آزادسازی درآمدی برای دولتمردان حاصل شد که قرار بود بخشی از این درآمد به بخش‌های تولیدی به‌عنوان یارانه اختصاص داده شود. ولی به دلایل سیاسی از جمله تلاش دولتمردان برای افزایش مشروعیت خود در بین مردم نفع سیاسی و بهره‌برداری جناحی و سیاسی از آن، بخش اعظمی از این درآمدها به‌عنوان یارانه مستقیم به مردم مصرف‌کنندگان اختصاص داده شد و به بخش تولیدی بی‌توجهی شد که عدم توجه به یارانه تولیدی، صدمه قابل توجهی به بخش تولیدی زد که این موضوع رکود تورمی را در اقتصاد شدت بخشید. (رجنی، ۱۴۰۰: ۵۷)؛ (Rajni, 2020: 57) واردات کالا از چین که با انگیزه کنترل قیمت‌ها تبیین و طراحی شده بود، به تدریج به دلیل تسهیل روند واردات، نبود نظارت بر حجم، چگونگی و کیفیت کالاهای وارداتی و نیز سوددهی بالا در بین تجار نهاده شد. اتخاذ چنین سیاستی سبب بروز معضلات جدی در عرصه اقتصادی گردید که اولین پیامد ناخوشایند آن تعطیلی کار، کاهش تولیدات داخلی و در مقابل رونق واسطه‌گری بود. در نتیجه این اقدام، هزینه‌های تولیدی برای بنگاه‌ها و کارخانه‌ها افزایش یافت که این موضوع باعث افزایش قیمت محصول این بنگاه‌ها و کاهش قدرت رقابت‌پذیری محصولات آن‌ها در بازارهای داخلی و خارجی شد. لذا کاهش تقاضا به علت افزایش قیمت موجب ورشکستگی بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی شد که این موضوع از منظر اقتصاد کلان به معنی کاهش عرضه‌ی کل اقتصاد و در نتیجه افزایش بیکاری، افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و تورم بود.

۸- تقویت وابستگی متقابل با چین سبب کاهش هزینه‌های عدم همکاری ایران با

سایر کشورها

در زمینه تجارت و توسعه اقتصادی و همچنین علوم و فناوری‌ها، پیشرفت چین موجب علاقه ایران به برقراری ارتباط با آن شده است. به‌طور کلی چین در جهان فعلی، یک متغیر کلیدی به حساب می‌آید که ارتباط با آن و استفاده از پتانسیل‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی آن برای ایران موجب رشد و توسعه در ابعاد مختلف خواهد شد. (سلامی، ۱۳۹۶: ۸۷)؛ (Salami, 2016: 87) این



موضوع چشم انداز روشنی از همکاری های اقتصادی و سیاسی دو طرف را در آینده ترسیم می کند. احتیاط فزاینده چین برای همکاری با ایران در برخی حوزه های موضوعی چالش برانگیز ایران با غرب، می تواند مبنایی برای اراده بیشتر ایران جهت مشارکت در طرح های اقتصادی باشد. تقویت همکاری های هرچه بیشتر اقتصادی میان دو طرف به خصوص در دوران بعد از توافق هسته ای، می تواند به ایران کمک کند تا با تقویت وابستگی متقابل با چین هزینه های عدم همکاری این کشور را در شرایط بحرانی افزایش داده و از این جهت روابط سیاسی این کشور با ایران وزنی مشابه حوزه همکاری به خود گیرد

۹- شرکت در طرح جاده ابریشم نوین گامی بلند برای تثبیت و تحکیم جایگاه ایران به عنوان یک قدرت برتر منطقه ای

چین در راستای ایجاد و تثبیت هژمونی منطقه ای خود، ابتکار راه ابریشم را به عنوان راهبرد کلان در اولویت خود قرار داده است و برای جلوگیری از ایجاد نگرانی قدرت های بزرگ دیگر از جمله آمریکا و روسیه، سیاست خارجی محتاطانه ای را در پیش گرفته است. (ترابی، رضائی و کاوه، ۱۴۰۰: ۸۰)؛ (Turabi, Rezaei and Kaveh, 2020: 80) مسیر ایران به دلیل ایفای نقش یک شاهراه مهم ارتباطی و ترانزیتی که ناشی از برتری های ژئوپلیتیک است، یکی از سهل الوصول ترین، کوتاه ترین، امن ترین و باصرفه ترین مسیرها برای ترانزیت کالاها به بازارهای مصرف از طریق دریا و خشکی محسوب می شود. (آدمی، ۱۳۸۹: ۹۰)؛ (Adami, 2009: 90) طرح جاده ابریشم نوین از آنجا که منجر به توسعه اقتصادی کشور خواهد شد، متعاقباً امنیت و ثبات را نیز به ارمغان خواهد آورد و با کمک به توسعه زیرساخت ها در تأمین نظم اجتماعی و ثبات سیاسی تأثیر دارد. وابستگی متقابل میان کشورها در عرصه حمل و نقل و صادرات انرژی و کالاها، مخصوصاً به ایران به عنوان کریدوری حیاتی و باصرفه به عرصه سیاسی و امنیتی کشیده خواهد شد و باعث افزایش ضریب امنیت و منافع ملی می شود. (امیدوارنیا، ۱۳۹۲: ۳۰)؛ (Umardaniya, 2012: 30) طرح جاده ابریشم نوین و نیز حل مسئله ایران در بحث تحریم های بین المللی، احتمالاً زمینه پیگیری دو گفتمان غرب گرا و شرق گرا را به صورت هم زمان در اختیار ایران قرار می دهد. هرچند حل مسئله هسته ای و رفع تحریم ها می تواند به همکاری ایران با غرب منجر شود، داشتن نقشی فعال در طرح جاده ابریشم نوین نیز کسری اقتصادی ایران را تأمین کرده و در عرصه زیرساخت ها به توسعه سرمایه گذاری های مفید منجر خواهد شد. تعادل در برخورداری از مزیت های غرب و شرق با منافع ملی ایران بیشتر سازگار است و این طرح فرصتی است که ایران بایستی از آن به مثابه سرمایه ای در

جهت ایجاد وزنه‌ای تعادلی بین گفتمان شرق گرا و غرب گرا استفاده کند. آثار زیان‌بار اتکای صرف به شرق و غرب در سیاست خارجی ایران در ادوار مختلف، امری مشخص است و دقیقاً بنا بر همین تجربه تاریخی در شرایط عادی هرچه ایران تلاش کند تا با مشارکت بیشتر در تدبیر امور جهانی و طرح‌هایی با ماهیت بین‌المللی از اتکای صرف به یک‌طرف فراتر رود، منافع ملی کشور بیشتر تأمین خواهد شد. ضمن این که طرح جاده ابریشم نوین از یک‌طرف به خاطر گستره و پیوندهای فراگیر آن بین شرق و غرب و از طرف دیگر جایگاه ایران به عنوان حلقه میانی و محوری این ابتکار، می‌تواند بستر ساز توجه هم‌زمان شرق و غرب به ایران و متقابلاً توجه ایران به کشورهای قدرتمند هر دو حوزه باشد. (زارع، ۱۳۹۴: ۴۴)؛ (Zare, 2014: 44) ایران با استفاده از پتانسیل‌های اقتصادی، جغرافیایی و ارتباطی خود به ارتقا و افزایش امنیت و منافع ملی خود از راه کانال‌های سرمایه‌گذاری کلان اقتصادی و تجاری کمک خواهد کرد و هزینه تهدید، تجاوز و حمله به کشورش را افزایش خواهد داد همچنین داشتن نقش اساسی در تأمین انرژی جهان که ضامن درآمدهای کافی برای توسعه کشور باشد، می‌تواند در تضمین امنیت و ثبات ملی مفید باشد. ایران به دلیل برخورداری از موقعیت ژئواکونومی و منابع فراوان نفت و گاز و نزدیکی جغرافیایی به دریاهای آزاد و تنگه استراتژیک هرمز، دارای یک جایگاه انحصاری در تأمین نفت و گاز کشوری همچون چین در مقایسه با کشورهای رقیب دیگر، یعنی ترکمنستان، قطر و روسیه است. این ظرفیت‌ها در کنار قرارگیری ایران در کانون توجه قدرت‌ها و نقش برجسته منطقه‌ای، می‌تواند گامی بلند برای تثبیت و تحکیم جایگاه ایران به عنوان یک قدرت برتر منطقه‌ای داشته باشد. با توجه به هدف سازی چین برای جلوگیری از افزایش نفوذ چین در منطقه شرق، به نظر می‌رسد اولویت ضمنی چین تقویت موازنه سازی منطقه‌ای در خاورمیانه برای رقابت با امریکا و جلوگیری از روندهای پیش‌رونده واشینگتن در آسیا باشد این روند فرصتی را در اختیار ایران قرار می‌دهد تا از طریق ائتلاف‌سازی چینی-ایرانی در برابر نوع عربی-امریکایی آن به دنبال احیای جایگاهی در نتیجه حمایت‌های امریکا در منطقه تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. از دیگر مزایا و فرصت‌هایی که طرح در اختیار ایران قرار می‌دهد، می‌توان به مواردی همچون انتقال وضعیت ایران از عضویت ناظر به عضویت دائم در سازمان همکاری شانگهای، استفاده از پتانسیل کشورهای مسیر برای سهولت ادغام در نظام جدید تجارت بین‌الملل و تشکیل بازارهای مشترک منطقه‌ای، توسعه و گسترش برنامه‌های گردشگری در مسیر راه ابریشم، پشتیبانی مفید برای برقراری پیوند بین کشورها



و تحقق هدف توسعه مشترک در منطقه، به وجود آمدن یک محیط امن منطقه‌ای و جهانی که زمینه‌ساز توسعه همگانی است، مبارزه با مواد مخدر به واسطه افزایش امنیت و ثبات، کاهش میزان آسیب‌پذیری کشور در هنگام بحران (همچون تحریم) از طریق ایجاد محورهای باثبات مالی و پولی با شرق و غرب، احیای دوره طلایی فرهنگ باستانی جوامع آسیای مرکزی، دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه به بنادر ایران در سواحل خلیج فارس و توسعه بندرها و حمل‌ونقل دریایی کشور، برقراری پیمان‌های امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای بزرگ، تحقق همگرایی در منطقه و حتی فرا منطقه (با اروپا)، آزادسازی ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی، افزایش دسترسی به بازارهای جهانی و افزایش حجم حمل‌ونقل کالا و مسافر و ایمنی و حفظ محیط‌زیست اشاره داشت.

۱۰- پاسخ ایران به حملات اسرائیل و مواضع حمایتی چین از ایران و محکوم نکردن آن

بعد از پاسخ پهلادی و موشکی گسترده ایران به اقدامات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی، چین ضمن ابراز نگرانی عمیق از تشدید وخامت اوضاع در غرب آسیا، خواستار خویشتن‌داری تهران و تل‌آویو برای جلوگیری از تشدید تنش شد. چین به شدت حمله به سفارت ایران در دمشق را محکوم کرده و آن را مخالف و ناقض اصول و قواعد بین‌المللی می‌داند. در این بیانیه تصریح شده است: این دور از تنش‌ها یکی از پیامدهای جنگ غزه است و سرکوب «درگیری» اولویت اصلی است. دیگر هیچ‌گونه تأخیر در اجرای قطعنامه ۲۷۲۸ شورای امنیت سازمان ملل جایز نیست و درگیری و تنش باید فوراً به پایان برسد. چین از جامعه بین‌الملل به‌ویژه از کشورهای ذی‌نفوذ می‌خواهد که نقش سازنده برای صلح و ثبات در منطقه خاورمیانه ایفا کنند. در ماجرای تقابل اخیر ایران و اسرائیل، چین طرف تهران را گرفته اما به نظر می‌رسد که پکن در تلاش برای تنش‌زدایی از وضعیت موجود و درعین حال، طعنه زدن به آمریکاست. دیپلمات‌های چینی پشت درهای بسته تلاش می‌کنند همتایان اسرائیلی‌شان را قانع کنند که اظهارات علنی دولت چین، نشان‌دهنده منویات قلبی پکن درباره لزوم مجازات دولت اسرائیل بابت اقداماتی که انجام داده است، نیست و پکن همچنان خواهان حفظ روابط دوجانبه است. (Palmer, James, 2024: 5) چین دارای روابط گسترده‌ای با ایران است و تماس بلافاصله وزیر امور خارجه چین با تهران بعد از حمله و تمجید از اقدام متقابل ایران نشان می‌دهد که پکن علاقه‌ای برای دست شستن از این روابط ندارد. روابط با تهران یکی از ستون‌های اصلی اهداف پکن در خاورمیانه است. این اهداف شامل حفظ جریان

نفت، ادعای پابندی به اصول اخلاقی در مقایسه با آمریکا، ایجاد روابط با رهبران اقتدارگرا و امتناع از گرفتاری‌های پرهزینه است. چین احتمالاً ترجیح دهد که ایالات متحده همچنان یک تضمین‌کننده امنیت خاورمیانه باقی بماند، هرچند که مکرراً و به صورت علنی از این نقش انتقاد می‌کند. ائتلافی که برای دفع حملات ایران تشکیل شد نشان داد که ساختارهای ایجادشده توسط ایالات متحده تا چه اندازه قدرتمند هستند و اردن و عربستان در دفع حملات موشکی و پهپادی ایران هر کدام در حال ایفای نقش خویش بودند. دیپلمات‌های چینی پشت درهای بسته تلاش می‌کنند همتایان اسرائیلی‌شان را قانع کنند که اظهارات علنی دولت چین نشان‌دهنده منویات قلبی پکن درباره لزوم مجازات دولت اسرائیل بابت اقداماتی که انجام داده است نیست و پکن همچنان خواهان حفظ روابط دوجانبه است. ما خودداری چین از محکوم کردن حمله هفتم اکتبر حماس بدان معنا بود که اسرائیل احتمالاً در آینده موضع سخت‌گیرانه‌تری در قبال انتقال فن‌آوری و قراردادهای تجاری اتخاذ خواهد کرد. اتکای چینی‌ها بر نگاه همتایان ایرانی‌شان در فهم تحولات منطقه ممکن است یک مشکل درازمدت برای پکن ایجاد کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

چین، به عنوان کشوری موفق و توسعه‌یافته توانست با تکیه بر جذب سرمایه‌گذاری خارجی و بهره‌گیری از مزیت‌های داخلی با حفظ ساختار سیاسی اقتدارگرایش، روند رشد بلندمدت را برای اقتصاد خود فراهم آورد. با این وجود، استمرار رشد اقتصادی پایدار برای چین مستلزم دسترسی پایدار این کشور به منابع انرژی، خطوط امن ترانزیتی و کاهش تنش فرقه‌ای در جغرافیای داخلی است. در مقابل، ایران با برخورداری از منابع فراوان انرژی، محوریت ژئوپلیتیک منطقه‌ای و بین‌المللی، قرار گرفتن در راه ابریشم جدید، نفوذ و اهمیت فراوان در جهان اسلام و منطقه خاورمیانه به لحاظ سیاسی و امنیتی، می‌تواند پاسخگوی نیازهای راهبردی چین در سه حوزه ذکرشده باشد. همچنین نیاز ایران به شکل‌دهی زنجیره ارزش در صنایع پایین‌دستی انرژی، تکمیل زیرساخت‌های ترانزیتی و دسترسی به منابع مالی ارزان نیز در نقطه مقابل، نیازهای ایران برای شکل‌دهی فرایند توسعه اقتصادی است. روابط ایران و چین در بعد اقتصادی پیشرفت چشمگیری داشته است زیرا چین در میان کشورهای جنوب شرق آسیا، به دلیل نیاز به مصرف حامل‌های انرژی، این متغیر را در روابطش با ایران با حساسیت دنبال می‌کند. از این رو همکاری‌های دو کشور در بعد اقتصادی و به‌ویژه نفت و گاز و نیز سایر مشتقات آن، علی‌رغم اینکه در پاره‌ای اوقات به



دلایلی نظیر افزایش قیمت نفت و تسری یافتن مسائل سیاسی به این حوزه با قدری نوسان همراه بوده است، اما یافته‌های موجود نشان می‌دهد تا قبل دور دوم تحریم‌های آمریکا بعد از خروج از برجام، یک سیر روبه رشد و مثبت تجارت کالایی و تهاثر نفتی میا دو کشور وجود دارد. در یک چشم انداز بلندمدت چین به دلیل شدت مصرف انرژی، همچنان به واردات سوخت‌های فسیلی (نفت و گاز) و سایر مشتقات آن از کشورهای خاورمیانه و نیز ایران وابسته باقی خواهد ماند و مهم‌تر اینکه جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک کشور مستقل که تحت نفوذ سیاست‌های ایالات‌های متحده آمریکا و غرب قرار ندارد، بیشتر در کانون توجه چین است؛ به این دلیل که این کشور برای رشد و پیشرفت به همکاری با کشورهای باثباتی نظیر ایران در یک محیط آرام و به‌دوراز تنش‌های سیاسی نیازمند است. جمهوری اسلامی ایران همواره در پی آن بوده که از نفوذ چین در شورای امنیت و حق وتوی این کشور جهت جلوگیری از تحریم‌های احتمالی آمریکا و غرب علیه منافع ملی ایران ممانعت به عمل آورد. در مقابل چین نیز با تقویت شاخص‌های اقتصادی و سیاسی خود، در حال خیزش بوده و جهت تأمین نیازهای اقتصادی خود در حوزه انرژی به منابع نفت و گاز منطقه خلیج فارس و ایران چشم دوخته است که این مسئله نیز می‌تواند بر استحکام روابط دوجانبه دو کشور بی‌افزاید. چین برای کسب منافع ملی و بین‌المللی خود در طرح جاده ابریشم نوین، به قدرت‌های منطقه‌ای مهم، توجه ویژه دارد و در زمان فعلی برای ایران اهمیت ویژه‌ای قائل است که این ناشی از موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک ایران است. جاده ابریشم نوین به دلیل اهمیت بالا و ایجاد تغییرات متعدد و ملموس بر منطقه، تمامی کشورهای واقع در این مسیر از جمله ایران را متأثر کرده و می‌تواند با تهدیدها و فرصت‌هایی برای آن‌ها همراه باشد. این طرح علاوه بر اینکه می‌تواند در راستای اهداف کلان ایران باشد و فرصت‌ها و مزیت‌های بسیاری را به ارمغان آورد، چالش‌هایی را نیز به وجود خواهد آورد که با توجه به رقابت‌های کشورهای مختلف برای بهره‌برداری از این طرح و همچنین برخی تنش‌ها میان کشورها، دستگاه سیاست خارجی ایران بایستی از فرصت‌های این طرح بهره‌برداری صحیح و همه‌جانبه کرده و چالش‌ها را مدیریت کند که این به توان و ظرفیت‌های خود ایران وابسته خواهد بود.

پیشنهاده‌ها

- ایران هنوز سهم مناسبی از بازار عظیم مصرفی چین را به خود اختصاص نداده است، این امر نیاز به اعتمادسازی مسئولان چینی نسبت به مرغوبیت و صرفه اقتصادی کالاهای ایرانی در برابر

دیگر کالاهای وارداتی برای مصرف کنندگان چینی دارد. در این راستا علاوه بر تقویت ساختارهای تولیدی از راهکارهای پیشنهادی می‌تواند تجارت متقابل و کالا به کالا جهت ورود کالاهای ایران به بازار چین و شناساندن آن‌ها به مصرف کنندگان چینی باشد.

- رفع بی‌ثباتی مدیریتی و اجرایی در بخش اقتصاد و سیاست کشور و قابل پیش‌بینی نمودن فرآیندهای اقتصادی با برنامه‌ریزی دقیق و نهادینه نمودن روندهای بازرگانی، می‌تواند با جلب نظر و توجه بازرگانان چینی که دارای اقتصاد بازار محور و مزیت گرامی باشند، آن‌ها را به سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های اقتصادی بیشتر در ایران ترغیب نماید.
- تشکیل کمیته‌های کاری تخصصی اقتصادی، جهت بررسی و شناخت راه‌های گسترش گام‌به‌گام همکاری‌های تجاری و بازرگانی ایران و چین از دیگر مواردی است که در گسترش روابط می‌تواند مؤثر واقع شود.
- ایران باید در هر موضوعی که با پکن همکاری می‌کند در اقتصاد، نظامی و ... گزینه دومی نیز در نظر داشته باشد تا در مواقع لزوم با استفاده از آن بتواند امتیاز لازم را اخذ نماید. به نظر می‌رسد با توجه به تجربه سال‌های اخیر و با عنایت به روابط ایران و چین با دیگر کشورها بهترین گزینه‌های در دسترس ایران کشورهایی باشند که روابط استراتژیک و یا خصمانه با پکن دارند که روسیه، تایوان و هند بهترین این گزینه‌ها می‌باشند.
- حضور فعال و مؤثر ایران در نهادهای منطقه‌ای تأثیرگذار و نقش فعال در این نهادها می‌تواند برگ برنده دیگری را در اختیار ایران در مراودات خارجی خود من جمله با کشور چین در اختیار دولتمردان ایرانی قرار دهد. از این‌رو شایسته است جمهوری اسلامی ایران حضور فعالانه‌تری در سازمان همکاری شانگهای داشته و تلاش مضاعفی را جهت متقاعد نمودن روسیه و به‌ویژه چین برای عضویت دائم در این سازمان مهم منطقه‌ای انجام دهد.
- چین کشوری متمایز در نظام بین‌الملل است که به‌طور اصولی به دنبال متحد استراتژیک در دنیا نمی‌گردد آن‌ها فرض دارند که قدرتشان به‌تنهایی می‌تواند تمام مسائل آن‌ها را حل کند؛ بنابراین، بیشتر به دنبال همکاری استراتژیک بر اساس مدل برد - برد می‌گردند. بر این اساس در همکاری و مشارکت با این کشور باید همیشه رفتاری متعادل داشت و سعی نمود از فرصت‌های به‌دست آمده ابتدا در جهت متوازن نمودن مناسبات و سپس سود بردن از آن به نفع خود بهره برد.



- ایران بایستی در پی برنامه‌ای برای اقتصاد و توسعه پایدار باشد. بنابراین در طرح جاده ابریشم نوین تنها نباید به مقوله ترانزیت توجه کند، بلکه بایستی ارتباطات تجاری و بازرگانی خود با سایر کشورهای مسیر، از جمله آسیای مرکزی را گسترش دهد و در پروژه‌های این منطقه مشارکت و همکاری کند تا از این طریق در سازمان‌های منطقه‌ای مهم حضور فعال‌تری داشته باشد. متعاقباً همکاری با این منطقه می‌تواند صادرات انرژی ایران به اروپا را نیز تسهیل کند و روابط با فرا منطقه را بهبود بخشد

منابع

الف) فارسی

- آدمی، ع (۱۳۸۹). راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ دیدگاه‌ها، زمینه‌ها و فرصت‌ها. فصلنامه مطالعات سیاسی. ۲(۷)، صص ۶۲-۹۷.
<https://Article/666106?jid=666106>
- ارغوانی‌پیرسلامی، ف (۱۳۹۵). باز درآمدی بر روابط راهبردی چین و ایران، در پرتو هویت‌های بین‌المللی. تهران: مخاطب.
- امیدوار نیا، م. ج (۱۳۹۲). چین در شرایط نوین جهانی: استراتژی امنیتی و دفاعی. تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک دفاعی.
- بخشی آنی، ر. عباسی، م. و رحیمی نژاد، م. ع (۱۴۰۰). متغیرهای اقتصادی و سیاسی حاکم بر روابط راهبردی ایران و چین. مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل. ۴(۲)، صص ۴۲۳-۴۶۲.
Doi: 10.22126/ipes.2021.5876.1322
- بلوچی، ح. ع (۱۳۸۹). دیپلماسی دفاعی چین. فصلنامه راهبرد دفاعی. ۸(۳۱)، صص ۱۴۰-۱۵۶.
sid.ir/paper/194360/fa
- بیاتی، س (۱۳۸۹). با واردات بی‌رویه کالا به کشور مرگ تدریجی تولیدات داخلی با محصولات چینی. تهران: شفاف.
- ترابی، ق. رضائی، ع؛ و کاوه، ع (۱۴۰۰). ابتکار راه ابریشم و هژمونی چین در آسیای مرکزی، مطالعات اوراسیای مرکزی. ۱۴(۱)، صص ۷۵-۹۸.
Doi: 10.22059/jcep.2021.314577.449964
- ترابی، ق. و رضائی، ع (۱۳۹۰). اقتصاد سیاسی بین‌الملل در تئوری و عمل: مطالعه موردی تعامل اقتصادی چین و ایالات متحده آمریکا. فصلنامه مطالعات سیاسی. ۴(۱۳)، صص ۳۲-۱.
<https://www.sid.ir/paper/161409/fa>

- ترابی، ق (۱۳۹۱). نقد و بررسی کتاب: روابط خارجی چین، سیاست و قدرت پس از جنگ سرد. نشریه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز. (۸۰)، صص ۱۷۱ تا ۱۸۱
<https://ecc.isc.ac/showJournal/878/48762/666950>.
- حریری، م. ر (۱۳۹۴). چین تنها انتخاب ایران بود، سوغات احمدی‌نژاد برای ایران. شرق. (۲۵۳۰)، صص ۶-۹
<https://fararu.com/fa/news/263807>
- رجنی، م (۱۴۰۰). روابط چین و ایران از نگاه نخبگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد شاهرود.
- رضائی، ع (۱۳۹۱). نقد و ارزیابی کتاب روابط خارجی چین؛ قدرت و سیاست پس از جنگ سرد. فصلنامه سیاست خارجی. ۲۶(۱)، صص ۸۰۶-۸۰۱
<https://elmnet.ir/doc/1711972-82214>
- رضائی، ع؛ و سلیمی، ج. ا (۱۴۰۰). سیاست خارجی ایالات متحده در شرق آسیا با تأکید بر هند و چین. فصلنامه دانش تفسیر سیاسی. ۳(۱۰)، صص ۲۹-۱.
[https:// dig/9/363-2555216fee568b9cd76a273bd0e5b219](https://dig/9/363-2555216fee568b9cd76a273bd0e5b219) -
- رضائی، ع (۱۳۸۷). چین و موازنه نرم در برابر هژمونی ایالات متحده آمریکا در عرصه نظام بین‌الملل. فصلنامه راهبرد یاس. (۱۶)، صص ۲۹۸-۲۸۱
<https://www.sid.ir/paper/485027/fa>
- زارع، م (۱۳۹۴). جایگاه ایران در استراتژی کمربند اقتصادی جاده ابریشم، در چشم‌انداز روابط ایران و چین. تهران: ابرار معاصر.
- سلامی، ل (۱۳۹۶). چشم‌انداز روابط ایران و چین در دهه اول قرن ۲۱، در ایران و چین: ایجاد چهارچوبی برای مدیریت روابط. تهران: فرهنگ گفتمان.
- سیف زاده، ح (۱۳۹۲). نظریه‌های مختلف در روابط بین‌الملل. تهران: قومس.
- شریعتی‌نیا، م (۱۳۹۹). روابط ایران و چین؛ گذار از مثلث رمانتیک به پیوند پایدار، رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی. ۱۱(۳)، صص ۹۵-۱۱۴. Doi: 10.29252/piaj.2020.99929
- شمشیری، ع (۱۳۹۹). تحلیل ملاحظات گسترش مناسبات راهبردی ایران و چین. مطالعات دفاع مقدس. ۵(۱۸)، صص ۶۹-۸۴. Doi: 20.1001.1.25883674.1398.5.18.4.0
- صفوی، س. ی؛ و مهدیان، ح (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک انرژی ایران و امنیت انرژی شرق چین و هند. فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی. ۲(۲)، صص ۱۲-۲۹
<https://www.sid.ir/paper/177076/fa>.



- صفی نژاد، ا (۱۳۹۸). ناسیونالیسم اقتصادی جمهوری خلق چین و تأثیران بر روابط راهبردی این کشور با ایران (۲۰۰۱-۲۰۱۷). پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی.
- عظیمی، س. ر (۱۴۰۰). ابتکار کمربند و راه؛ فرصت‌های اقتصادی مشترکی ایران و چین. تهران: پیک نور.
- علائی پور، ف (۱۴۰۰). تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران بر گسترش روابط تجاری با چین. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سمنان.
- کوهن، ر؛ و نای، ج (۱۳۹۵). وابستگی متقابل و همگرایی در عرصه بین‌المللی در: نظریه‌های روابط بین‌الملل. ترجمه وحید بزرگی. تهران: قومس.
- مرادی حقیقی، ف (۱۳۹۷). تجارت و توسعه در روابط اقتصادی ایران و چین (۱۳۵۷-۱۳۹۶). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تهران.
- یوسفی، ا (۱۳۹۷). روابط ایران و چین از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه علامه طباطبائی.

(ب) انگلیسی

- Amel, C. (2017). Safavid Trade During the 17th Century: Iran's Transit Economy, Ames Madison University, MU Scholarly Commons Middle Eastern Communities and Migrations Student Research Paper Series. <https://commons.lib.jmu.edu/mecmsrps/6/>.
- Iim, S. and Stig, S. (2020). China's Realism in the Middle East, Survival, Global Politics and Strategy, Vol. 61, No. 6. doi=10.1080/00396338.2019.1688578
- Unter, S. (2010), Iran's Foreign Policy in the Post-Soviet Era: Resisting the new International Order, California and London: Praeger. <https://www.amazon.com/Irans-Foreign-Policy-Post-Soviet-International/dp/0313381941>
- Un, L and Wu, L. (2016), Key Issues in China-Iran Relations, Journal of Middle Eastern and Islamic Studies (in Asia), Vol. 4, No. 1, pp.40-57. <https://doi.org/10.1080/19370679.2010.12023147>
- Maloney, S. (2018). The Trump Administration's Plan B on Iran is No Plan at All. Brookings. Last modified May 22, 2018. <https://www.brookings.edu/articles/the-trump-administrations-plan-b-on-iran-is-no-plan-at-all/>
- Merseimer, O. (2018). Can China Rise Peacefully? The National Interest. Last modified June 5, <https://nationalinterest.org/commentary/can-china-rise-peacefully-10204>

- Wutnow, O.(2016). Posing Problems Witout an Alliance: Cina-Iran Relations after te Nuclear ations/Article/654743/posing-problems-without-an-alliance-china-iran-relations-after-the.
- Palmer,James(2024) China's support positions for Iran and not condemning it in Iran's response to Israel's attacks, Foreign Policy <https://www.aa.com.tr/en/asia-pacific/israel-unhappy-with-chinas-failure-to-condemn-irans-attack-diplomat-/3192619>.
- Bagwandeem, M.(2019). Navigating Te Gulf: Cinas Balancing Strategy. Centre for Cinese Studies, Stellenbosc University. <https://scholar.sun.ac.za/items/1f63f09b-9736-41f9-ac0d-1ea0c70e0b10>
- Daniel, O. (2018). Aspects of Sino-Iranian relations.‖ Biztpol Affairs 1(1). <https://jdss.org.pk/issues/v3/2/sino-iranian-comprehensive-strategic-relations-implications-for-the-region.pdf>

ب) ترجمه شده

- Adami, A. (2009). The strategy of looking to the east in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran; Perspectives, contexts and opportunities, Political Studies Quarterly, 2(7).62-97. <https://sanad.iau.ir/journal/jourm/Article/666106?jid=666106>. (In Persian)
- Alaipour, F. (2020). The influence of the economic components of the soft power of the Islamic Republic of Iran on the expansion of trade relations with China, Semnan University master's thesis. (In Persian)
- Arghwani Pirsalami, F. (2015). An introduction to the strategic relations between China and Iran, in the light of international identities, Tehran: The Audience. (In Persian)
- Azimi, S. R. (2020). Belt and Road Initiative; Joint economic opportunities between Iran and China, Tehran: Paik Noor. (In Persian)
- Bakhshi Ani, R. Abbasi, M. and Rahiminejad, M.A. (2020). Economic and political variables governing the strategic relations between Iran and China, International Political Economy Studies, 4(2).423-462 Doi: 10.22126/ipes.2021.5876.1322. (In Persian)
- Baluji, H. AD (2009). Chinese Defense Diplomacy, Defense Strategy Quarterly, 8(31). 140-156. <https://www.sid.ir/paper/194360/fa#downloadbottom>(In Persian)
- Bayati, S. (2009). With the excessive import of goods into the country, the gradual death of domestic production with Chinese products, Tehran: Transparent. (In Persian)
- Cohen, R. and Nye, J. (2015). Interdependence and convergence in the international arena in: theories of international relations. Translated by Vahid Boghari, Tehran: Qoms. (In Persian)

- Hariri, M.R. (2014). China was Iran's only choice, Ahmadinejad's souvenirs for Iran, East, (2530). 6-9. <https://fararu.com/fa/news/263807/>(In Persian)
- Moradi Haghighi, F. (2017). Trade and development in the economic relations between Iran and China (1357-1396), Tehran University master's thesis. (In Persian)
- Umardaniya M.J. (2012). China in the new global conditions: security and defense strategy, Tehran: Defense Strategic Research Center. (In Persian)
- Rajni, M. (2020). Relations between China and Iran from the perspective of elites. Master's thesis of Shahrood Azad University. (In Persian)
- Rezaei, A. (2007). China and the soft balance against the hegemony of the United States of America in the field of the international system, Yas Strategy Quarterly, (16). 298-281. <https://www.sid.ir/paper/485027/fa>(In Persian)
- Rezaei, A. (2011). Criticism and evaluation of the book on China's foreign relations; Power and politics after the Cold War, Foreign Policy Quarterly, 26(1). 806-801. <https://elmnet.ir/doc/1711972-82214>(In Persian)
- Rezaei, A. and Salimi, J. A. (2020). US foreign policy in East Asia with an emphasis on India and China, Political Commentary Knowledge Quarterly, 3(10).1-29. <https://polir.ir/cdn/user/dig/9/363-2555216fee568b9cd76a273bd0e5b219>. (In Persian)
- Safavi, S. Y. and the Mahdians. H. (2009). Iran's Energy Geopolitics and Eastern China and India's Energy Security, Scientific Research Quarterly of Human Geography, 2(2). 12-29 <file:///C:/Users/s/Downloads/24513890203>. (In Persian)
- Safinejad, A. (2018). The economic nationalism of the People's Republic of China and its effects on the country's strategic relations with Iran (2001-2017), Master's Thesis of Khwarazmi University. (In Persian)
- Salami, L. (2016). Prospects of Iran-China relations in the first decade of the 21st century, in Iran and China: Creating a framework for relations management, Tehran: Farhang Dahtuman. (In Persian)
- Seifzadeh, H. (2012). Different theories in international relations, Tehran: Qoms. (In Persian)
- Shamshiri, A. (2019). Analysis of considerations for the expansion of strategic relations between Iran and China, Holy Defense Studies, 5(18). 69-84. Doi: 20.1001.1.25883674.1398.5.18.4.0(In Persian)



- Shariatinia, M. (2019). relations between Iran and China; Transition from romantic triangle to sustainable bond, Political and International Approaches, 11(3). 95-114. Doi: 10.29252/piaj.2020.99929(In Persian)
- Torabi, Q. (2011). Criticism and review of the book: China's foreign relations, politics and power after the Cold War, Central Asia and Caucasus Studies Journal, (80). 171 to 181. <https://ecc.isc.ac/showJournal/878/48762/666950>(In Persian)
- Turabi, Q. Warzaei, A. (2018). International political economy in theory and practice: a case study of economic interaction between China and the United States of America, Political Studies Quarterly, 4(13).1-32. file:///C:/Users/s/Downloads/34313901301. (In Persian)
- Turabi, Q. Rezaei, A. and Kaveh, A. (2020). The Silk Road Initiative and Chinese Hegemony in Central Asia, Central Eurasian Studies, 14(1).98-75. Doi: 10.22059/jcep.2021.314577.449964(In Persian)
- Yousefi, A. (2017). Relations between Iran and China from 2009 to 2015, master's thesis of Allameh Tabatabai University. (In Persian)
- Zare, M. (2014). Iran's position in the strategy of the Silk Road Economic Belt, in the perspective of Iran-China relations, Tehran: Abrar Contemporary. (In Persian)

Economic and commercial relations with China and the international position of the Islamic Republic of Iran¹

Hosein Fardmotlagh

*Ph.D. student of international relations,
Islamic Azad University of Hamadan, Iran.*

Ghasem Toraby

*Associate Professor of International Relations, Hamadan Branch,
Islamic Azad University, Hamedan, Iran. (Corresponding Author) ghasemtoraby@yahoo.com*

Alireza Rezaei

*Associate Professor of International Relations, Hamadan Branch,
Islamic Azad University, Hamedan, Iran*

Extended Abstract

The main goal of this research was to investigate the impact of expanding economic and trade relations with China on the international status of the Islamic Republic of Iran. The current research is realism and the qualitative research method is documentary. In this research, the methods of library and document collection, examination of documents and documents, interviews with experts and experts of the subject were used to collect information, and it was analyzed with analytical-descriptive method. According to the findings of the research, it was concluded that the growth of economic relations in the field of energy export, especially Iran's oil to China, and in bilateral trade and technical and construction cooperation, and the improvement of the political level of relations and the increase in bilateral meetings indicate that these two countries are still close to each other. They consider Iran as an important partner and they want to increase relations in all fields. China's investments in Iran have mainly been commercial in nature and have been accompanied by the import of consumer goods and intermediate goods from Iran along with the sale of oil, raw and mineral materials and petrochemical products with low added value. Currently, China is seeking to improve its position in the global value chain with the help of implementing the One Belt One Road project, Iran can make optimal use of this situation.

Keywords: International, economic and commercial relations, China, Islamic Republic of Iran.



¹ This article is taken from Hossein Fardmutlaq's doctoral dissertation entitled "Economic and commercial relations with China and the international position of the Islamic Republic of Iran" under the guidance of Dr. Qasim Torabi.